

مقایسه مجازات برخی جرایم ارتكابی علیه زنان

در فقه و حقوق جزای اسلامی

صالحه خدادادی^۱

بهاره برومند امین^۲

چکیده

از آنجا که زنان به عنوان افراد آسیب‌پذیر اجتماعی نسبت به مردان در معرض بزه‌دیدگی بیشتری قرار می‌گیرند؛ لذا حقوق و جایگاه زنان در ادیان و مذاب مختلف سال‌هاست که به‌طور جدی و علمی مورد تحلیل و بررسی پژوهشگران قرار گرفته و وضع و اجرای قوانین حمایتی از گروه و نوع مجازات مرتکبین جرایم علیه زنان، با توجه به گسترش جرایم ارتكابی علیه آنان، بیش از پیش احساس شده است. فقدان قوانین حمایتی از زنان بزه‌دیده و ضعف قوانین اجرایی جزایی برای مرتکبین جرایم علیه زنان و عدم ضمانت اجرایی در خصوص قوانین موجود، دو چالشی است که در حال حاضر جامعه با آن روبرو است؛ لذا در این مقاله سعی شده است مجازات مشخص شده چهار جرم ارتكابی علیه زنان با عناوین قاچاق و تجاوز علیه زنان، عدم پرداخت نفقه و سقط جنین در دو منبع فقه و حقوق جزای

۱. نویسنده مسئول، کاندیدای دکترای مطالعات زنان s.khodadadi72@yahoo.com.

۲. کاندیدای دکترای مطالعات زنان، وکیل پایه یک دادگستری، baharehboroumand@gmail.com.

اسلامی مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد. با توجه به پیش فرض انطباق قوانین بر منابع دینی، سؤال این است که میزان انطباق یادشده به خصوص با تغییر شرایط فرهنگی، تا چه میزان است. روش تحقیق در این مقاله، به صورت کتابخانه‌ای است که با تحلیل و پژوهش در منابع دست اول مانند انواع کتب فقهی و حقوق جزا و مقالات پژوهشی مرتبط با موضوع مقاله، انجام شده است. به نظر می‌رسد با توجه به تنوع آراء فقهی فقها و الزام به مضیق بودن قوانین، زاویه بعضاً قابل توجهی بین احکام مجازات جرایم در منابع فقهی و قوانین موضوعه در حقوق جزا وجود دارد که می‌تواند امکان بازنگری مجدد را برای مقنن حکیم فراهم کند.

کلمات کلیدی: قاچاق زنان، تجاوز به زنان، عدم پرداخت نفقه، سقط جنین، فقه و حقوق جزای اسلامی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقدمه

امروزه با توجه به تغییر و تحولاتی که در حوزه مطالعات جنسیت به وجود آمده است، محققین جرم‌شناختی نسبت به قربانیان جرایم در برابر عاملین جرایم، توجه بیشتری نشان داده‌اند. نتایج یافته‌های بزه‌دیده‌شناختی نشان می‌دهد که زنان به عنوان افراد آسیب‌پذیر اجتماعی که از آنان تحت عنوان «بزه‌کاران مستعد» یا «بزه‌دیدگان بالقوه آسیب‌پذیر» نیز نام برده می‌شود، به خاطر خصوصیات خاص زیست‌شناختی، روان‌شناختی و جامعه برای بزه‌کاران، اهداف مناسبی به‌شمار می‌روند و نسبت به مردان در معرض بزه‌دیدگی بیشتری قرار می‌گیرند. این در حالی است که حقوق کیفری اصولاً حقوق غیرشخصی محسوب می‌شود، بدین معنا که تمامی تابعان و افراد را در بر می‌گیرد و از یکسانی این حقوق در برابر آن‌ها برخوردار است، اما حمایت از جنسیت زن به خاطر تمایز در ساختار طبیعی او، حکمی استثنا بر اصل بوده، به نحوی که در نظام کیفری غالب کشورها، شاهد پذیرش آن می‌باشیم.

گفته می‌شود بهترین تراز سنجش جایگاه حقوق بشر در هر اجتماعی، موقعیت حقوقی زنان آن جامعه است. به بیان بهتر، از نشانه‌های پابندی هر حکومتی به موازین و چارچوب‌های حقوق بشری، همانا در وضعیت مطلوب قرار داشتن زنان آن کشور است. در جهان امروز از جلوه‌های اقتدار مردسالاری و پرتکرارترین جرایم اجتماعی، اعمال خشونت علیه زنان و برخورد و رفتار نامناسب با آن‌هاست. در حالی که لازمه عدالت آن است که تمامی افراد بشر با لحاظ تمایزات زیستی و روان‌شناسی خود، از برابری در حقوق و نه تشابه مطلق بهره‌مند باشند.

از این رو وضع و اجرای قوانین حمایتی از زنان و نوع مجازات مرتکبین جرایم علیه این گروه، با توجه به گسترش جرایم ارتكابی علیه آنان، بیش از پیش احساس می‌شود. فقدان قوانین حمایتی از زنان بزه‌دیده و ضعف قوانین اجرایی جزایی برای مرتکبین جرایم علیه آنان و عدم ضمانت اجرایی در خصوص قوانین موجود، دو چالشی است که در حال حاضر جامعه با آن روبرو است؛ لذا در این مقاله سعی شده است برخی جرایم ارتكابی علیه زنان در دو حوزه فقه و حقوق موضوعه ایران مورد بررسی قرار گیرند. جرایم مورد بررسی عبارتند از: (۱) قاچاق زنان، (۲) تجاوز به زنان، (۳) عدم پرداخت نفقه و (۴) سقط جنین. هدف از نگارش مقاله حاضر نیز مقایسه مجازات در نظر گرفته شده برای هریک از جرایم یاد شده در فقه اسلامی با حقوق جزایی کشور بر اساس منابع دست اول فقهی و حقوقی است که با روش کتابخانه‌ای



انجام شده است. همچنین با توجه به ادعای اصطیاد قوانین^۱ از منابع دینی، سؤال این است که میزان انطباق یاد شده با توجه به تغییر شرایط فرهنگی تا چه میزان است.

۱- قاچاق زنان

زمانی که ربایش یا خرید و فروش زن به عنوان کالا را از نظر فقهی مورد بررسی قرار می‌دهیم، مجازات در نظر گرفته شده برای این بزه، بسیار سنگین است، اما در قانون جزایی ما تناسبی بین جرم و کیفر مشاهده نمی‌شود. قاچاق زنان در ایران به‌عنوان یک جرم، سابقه طولانی ندارد و قانون مبارزه با قاچاق انسان، مصوب سال ۱۳۸۳ است.^۲

پنهانی انجام شدن این بزه و در اکثر موارد خاموشی زنان قاچاق شده سبب می‌شود تا آمار درستی از تعداد قاچاق زنان در دست نباشد. ناگفته نماند که قاچاق انسان با سوداگری انسان متفاوت است. بدین

۱. قواعد فقهی در یک تقسیم‌بندی به دو بخش منصوص و اصطیادی تقسیم می‌شوند. در قواعد اصطیادی برخلاف قواعد منصوص، نص قرآنی یا روایی که تمام مفاد قاعده را در بر بگیرد و جامع و مانع باشد، وجود ندارد و فقه‌پژوهان آن‌ها را از مجموعه‌ای از آیات و روایات که من حیث‌المجموع مفاد قاعده را ثابت می‌کنند، برداشت می‌کنند.

۲. ماده (۱) قاچاق انسان عبارت است از: الف) خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ یا با سوءاستفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوءاستفاده از وضعیت فرد یا افراد یادشده به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج، ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود. ماده (۲) اعمال زیر در حکم «قاچاق انسان» محسوب می‌شود: الف) تشکیل یا اداره دسته یا گروهی که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد. ب) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به‌طور سازمان‌یافته برای فحشا یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون، هرچند با رضایت آنان باشد. ج) عبور دادن (خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشا، هرچند با رضایت آنان باشد. ماده (۳) چنانچه عمل مرتکب «قاچاق انسان» از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یادشده و در غیر این صورت، به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود. تبصره ۱: چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می‌شود. تبصره ۲: کسی که شروع به ارتکاب جرایم موضوع این قانون نماید، لیکن نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود. تبصره ۳: مجازات معاونت در جرم «قاچاق انسان» به میزان دو تا پنج سال حبس محاسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، خواهد بود. ماده (۴) هرگاه کارکنان دولت یا مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌های وابسته به دولت و نیروهای مسلح یا مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی یا به‌طور کلی کارکنان قوای سه‌گانه به نحوی از انحاء در جرایم موضوع این قانون دخالت داشته باشند، علاوه بر مجازات‌های مقرر در این قانون، با توجه به نقش مجرم، به انفصال موقت یا دائم از خدمت محکوم خواهند شد. ماده (۵) چنانچه مؤسسات و شرکت‌های خصوصی به قصد ارتکاب جرایم موضوع این قانون، ولو با نام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازات‌های مقرر، پروانه فعالیت یا مجوز مربوطه، ابطال و مؤسسه و شرکت به دستور مقام قضایی تعطیل خواهد شد. ماده (۶) چنانچه «قاچاق انسان» تزام با ارتکاب جرایم دیگری تحقق یابد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون، به مجازات‌های مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد. ماده (۷) هر تبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران، مرتکب یکی از جرایم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود. ماده (۸) تمامی اشیاء، اسباب و وسایل نقلیه‌ای که عالم‌اً و عامداً به امر «قاچاق انسان» اختصاص داده شده‌اند، به نفع دولت ضبط خواهد شد. (سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی / <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/94178>)



معنا که در سوداگری، فرد به عنوان کالا مورد خرید و فروش و مبادله قرار می‌گیرد و فرد بزه‌دیده بر انجام کار، رضایت ندارد یا این که از چستی کار، آگاه نیست، اما در عمل قاچاق، فرد ممکن است رضایت داشته باشد. در ضمن سوداگری در داخل مرزها صورت می‌پذیرد، اما غالباً قاچاق همراه با خارج شدن از مرزهاست. (عالی‌پور، ۱۳۸۸: ۴۵)

حال باید گفت فرق چندانی بین قاچاق انسان و سوداگری وجود ندارد، به خصوص زمانی که زن به عنوان بزه‌دیده قرار می‌گیرد، زیرا در داخل مرزها نیز صدمات جسمی و روحی جبران‌ناپذیری می‌تواند به زن وارد شود. تنها در حالت قاچاق زنان، چون مسئله خروج از مرز وجود دارد، شاید بتوان گفت امکان پی‌گیری، مجازات مجرمین و نیز بازگرداندن فرد به خانواده‌اش سخت‌تر بوده و غالباً همکاری پلیس بین‌الملل را می‌طلبد که هزینه وارد شده به نیروی انتظامی و دستگاه قضایی در این حالت بیشتر است.

۱-۱- بررسی قاچاق زنان در فقه

یکی از مباحث فقهی در احکام بیع و مکاسب محرمه، خرید و فروش انسان آزاد است که همه فقها حکم به حرمت آن داده‌اند. در احادیث موجود در این زمینه، مجازات سنگینی برای مرتکب این عمل ذکر شده است. امام صادق^(ع) درباره کسی که اقدام به فروش همسر خود نموده بود، حکم قطع دست فروشنده را صادر کردند. (مجلسی، ج ۴، ۱۳۸۶: ۶۹؛ طوسی، ج ۱، بی‌تا: ۱۲۳؛ حرعاملی، ج ۲۸، بی‌تا: ۲۸۳)

چنین حکمی توسط حضرت علی^(ع) نیز درباره مردی که شخص آزادی را فروخته بود، جاری شده است. (حرعاملی، ج ۱۸، بی‌تا: ۵۱۸) پیامبر اکرم^(ص) نیز فروختن انسان آزاد را از جمله گناهان کبیره‌ای برمی‌شمارند که خداوند هرگز آن را نمی‌آمرزد. همانا خداوند هر گناهی را در روز قیامت می‌آمرزد، مگر سه کس را، اول کسی که مهر زنش را ندهد، دوم کسی که مزد اجیر را غصب نماید و سوم کسی که شخص آزادی را بفروشد. (کلینی، ج ۵، ۱۳۹۳: ۳۸۲) این احادیث همه انواع خرید و فروش انسان، از جمله خرید و فروش زنان و دختران به هر انگیزه و به هر طریقی که باشد، چه داخل مرزهای محل سکونت زن باشد و چه خارج از مرزها را شامل می‌شود.

دو نکته در باب خرید و فروش زنان مورد اهمیت است:

الف) بر اساس فتواها و فرمایش امام صادق^(ع)، رضایت و اجازه قربانی نه تنها از قبیح عمل نمی‌کاهد، بلکه بر زشتی عمل نیز می‌افزاید و به فرد ربوده شده در صورت اجبار نیز باید کمک کرد تا آزاد شود. (کلینی، ج ۷، ۱۳۹۳: ۲۲۹)



ب) در این مسئله مسلمان بودن شرط نیست، بلکه فروختن زن کافری که برده نیست نیز حرام است. شهید اول در کتاب دروس خود می‌نویسد: «خرید و فروش شخص آزاد حرام است و اجازه قربانی موجب جواز نیست، هر چند کافر حربی باشد.» پس نتیجه گرفته می‌شود که مسئله خرید و فروش انسان به خصوص زنان با توجه به شرایط جسمی زن، مطلقاً در اسلام حرام بوده و مجازات سنگینی در پی دارد که قطع دست، حداقل مجازات مرتکب این جرم است. در این رابطه سفیان ثوری از امام جعفر صادق^(ع) نقل می‌کند که از امام درباره حکم مردی که زنی را بدزد و سپس او را بفروشد، پرسیدم، امام فرمود: «بر این مرد چهار حد باید جاری شود و اول این که باید دستش قطع شود.» (حرعاملی، ج ۱۸، بی‌تا: ۵۱۴؛ خوانساری، ج ۷، ۱۳۵۵: ۱۴۷؛ خوبی، ج ۳۱۷، ۱۳۸۷: ۱). درباره کسی که شخص آزادی را بفروشد، حکم به قطع دست فروشنده داده‌اند. (رمضان‌نرگسی، ۱۳۸۳: ۱۳۵)

۱-۲- بررسی قاچاق زنان در حقوق

اگر بزه قاچاق زن در داخل مرزها صورت پذیرد، می‌توان به ماده ۶۲۱ ق.م.ا استناد کرد، هر چند ایراداتی به این ماده قانونی وارد است. اول این که این ماده مربوط به ربایش انسان است و فرقی بین زن و مرد قائل نشده است. ایراد دوم به این ماده، عدم توجه به انگیزه ربایش است. شاید به این ابهامات در قانون مبارزه با قاچاق انسان تا حد زیادی پاسخ داده شده باشد. طبق ماده ۱ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب سال ۱۳۸۳، قاچاق انسان عبارت است از:

الف) خارج یا وارد ساختن یا ترانزیت مجاز یا غیر مجاز افراد از مرزهای کشور با اجازه و آکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج.

ب) تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن با فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند الف این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود. در ماده ۳ آمده است که: «چنانچه عمل مرتکب (قاچاق انسان) از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد، باید مطابق مجازات‌های مقرر در قانون یاد شده، عمل شود و در غیر این صورت، به حبس از ۲ الی ۱۰ سال و پرداخت جزای نقدی

۱. هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگری به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر، شخصاً یا توسط دیگری، شخصی را بریاید یا مخفی کند، به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر، به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

تبصره) مجازات شروع به ربودن، سه تا پنج سال حبس است.



معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه‌دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می‌شود.» در تبصره‌های این ماده قانونی در مواردی که بزه‌دیده کمتر از هجده سال داشته باشد یا در صورت معاونت در این جرم، مجازات جداگانه‌ای در نظر گرفته شده است. (تبصره ۱، ۲ و ۳) در این جا این سؤال مطرح می‌شود که آیا مجازات حبس از ۲ تا ۱۰ سال و پرداخت جریمه نقدی، موجب بازدارندگی این بزه است؟

مشخص است بزه یاد شده با گذشت زمان، افراد بیشتری را آلوده می‌کند و هم اکنون نیز با گسترش فضای سایبری، امکان وقوع این عمل بیش از پیش فراهم شده است؛ لذا باید مجازات سنگین‌تری برای بزه‌کاران عمل در نظر گرفت تا بتوان از گسترش آن جلوگیری کرد.

۲- تجاوز به زنان

امروزه رفتار خشونت‌آمیز علیه زنان به طرق مختلفی در حال ارتکاب است که نوع شدید و پیچیده آن آزار جنسی زنان و در رأس آن تجاوز است. خشونت جنسی به طرق مختلفی می‌تواند انجام شود که خشونت جنسی گفتاری از طریق وسایل ارتباط جمعی و خشونت جنسی رفتاری مانند آدم‌ربایی به منظور تجاوز، راه‌اندازی مراکز فحشا، قاچاق زنان، بهره‌برداری تجاری از زنان و اجبار به رابطه جنسی در زمان عادت ماهیانه و بیماری، حاملگی اجباری، تماس‌های جنسی و دردناک، خیانت‌های جنسی و ...، همه مصادیقی از خشونت جنسی می‌باشند.

۲-۱- روابط جنسی نامشروع از دیدگاه فقه و حقوق جزا

یکی از مصادیق روابط جنسی نامشروع، زنا می‌باشد. حرمت زنا از احکام ضروری اسلام است که علاوه بر ذکر حرمت در آیات (نساء: ۱۵ تا ۱۶)، (نور: ۲ و ۳)، (اسراء: ۳۲)، در روایات متعددی نیز به آن اشاره شده است. امام صادق^(ع) در این رابطه می‌فرمایند: «سخت‌ترین مردم از حیث عذاب در قیامت، مردی است که نطفه خودش را در رحم کسی که بر او حرام است قرار دهد.» (مجلسی، ج ۷۹، ۱۳۱۶: ۲۶) زنا دارای اقسام مختلفی است که مجازات هر یک از انواع آن در فقه و حقوق متفاوت است.

۲-۱-۱- زنا با محارم

این نوع زنا، یکی از شنیع‌ترین انواع زنا است و از این رو در احکام اسلامی و حقوقی مجازات شدیدی برای آن در نظر گرفته شده است. محارم در فقه سه دسته هستند: نسبی، سببی و رضاعی. در زنا با محارم نسبی، در فقه و حقوق حکم به قتل و اعدام زانی و زانیه داده شده است که مورد اتفاق همه



فقها می‌باشد. (طوسی، ۶۹۳: ۱۳۸۴؛ ابن‌براج، بی‌تا: ۵۱۹؛ علی‌بن‌زهره، ۱۴۱۷: ۴۲۱) و در چارچوب حقوقی، طبق بند الف از ماده ۲۲۴ ق.م.ا زنا با محارم نسبی، مجازات اعدام را در پی دارد، اما در مورد زنا با محارم سببی، مسئله اختلافی است. در مورد زنا با نامادری، مشهور فقها، فتوا به قتل زانی داده‌اند. (همان) در حقوق جزایی ایران نیز طبق بند ب ماده ۲۲۴ ق.م.ا، زنا با زن پدر، سبب اعدام زانی می‌شود. در مورد زنا با سایر محارم سببی و رضاعی، چون عنوان خویشاوند مانند سایر موارد ذکر نشده یا سند آن روایات ضعیف است، حکم به قتل داده نمی‌شود، (محمداسحاقی، ۱۳۸۱) اما برخی فقها مانند شیخ طوسی در کتاب خلاف خود (طوسی، ۱۴۰۷: ۲۷۸) و یحیی بن سعید حلی در الجامع للشرایع (حلی، بی‌تا: ۴۶۵) مجازات قتل با محارم رضاعی را صحیح دانسته‌اند، اما در قانون نیز برای زنا با محارم رضاعی و سایر محارم سببی، حکم اعدام وجود ندارد.

۲-۱-۲- زنا به عنف

زنای به عنف یعنی این‌که مردی به زور و بدون رضایت زنی، اقدام به رابطه جنسی با او نماید که در اصطلاح به آن تجاوز به عنف می‌گویند. زنا به عنف، شدیدترین نوع خشونت جنسی محسوب می‌شود و در فقه اسلامی نیز مجازات زانی به عنف، قتل بوده و این حکم مورد اتفاق همه فقها است. (نجفی، ج ۴۱؛ بی‌تا: ۳۱۵) امام باقر^(ع) در پاسخ پرسشی راجع به حکم مردی که به عنف به زنی تجاوز کرده بود، فرمودند: «کشته می‌شود، چه محصن باشد یا نباشد.» (حرعاملی، ج ۱۷؛ بی‌تا: ۱۲۱) در قانون هم طبق بند ۱ ماده ۲۲۴ ق.م.ا، حکم زنای به عنف، اعدام زانی است و حتی طبق تبصره ۲ از همان ماده، تجاوز به عنف در حالت بیهوشی، خواب یا مستی زن، در حکم زنای به عنف است و اغفال و فریب دادن دختر نابالغ از طرق مختلف یا ترساندن زن که موجب تسلیم وی شود نیز موجب جاری شدن حکم فوق است.

۲-۱-۳- زنا به عنف در مورد باکره

در فقه اسلامی اگر کسی با هر وسیله‌ای بکارت دختری را از بین ببرد، علاوه بر مجازات قتل در حالت تجاوز به عنف، باید مهرالمثل را نیز به‌عنوان خسارت مالی پرداخت کند، اما اگر زن تمایل به

۱. حد زنا در موارد زیر اعدام است: الف) زنا با محارم نسبی. ب) زنا با زن پدر که موجب اعدام زانی است. پ) زنا با مرد غیرمسلمان با زن مسلمان که موجب اعدام زانی است. ت) زنا به عنف یا اکراه از سوی زانی که موجب اعدام زانی است. تبصره ۱: مجازات زانیه در بندهای (ب) و (پ) حسب مورد، تابع سایر احکام مربوط به زنا است. تبصره ۲: هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا یا او نباشد، در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنا به عنف است. در زنا از طریق اغفال و فریب دادن دختر نابالغ یا از طریق ربایش یا تهدید یا ترساندن زن، اگرچه موجب تسلیم شدن او شود نیز حکم فوق جاری است.



رابطه داشته باشد، مهرالمثل به او تعلق نمی‌گیرد. (طوسی، ۱۴۰۰: ۶۹۵؛ ابن‌ادریس، ۱۳۹۰: ۴۴۹-۴۵۰) تبصره ۱ ماده ۶۵۸ ق.م.ا نیز همین حکم فقهی را بیان کرده است.

۲-۱-۴- مجازات زنا

در فقه برای زناي مرد محصن و زن محصنه، مجازات سنگسار در نظر گرفته شده است. بر اساس نظر مشهور فقها اگر محصن جوان باشد، فقط سنگسار می‌شود، ولی اگر پیر باشد، پس از تحمل صد تازیانه، سنگسار می‌شود. (شهیدثانی، ج ۹، بی‌تا: ۸۶؛ نجفی، ج ۴۱، بی‌تا: ۳۱۸-۳۲۰) ماده ۲۲۵ ق.م.ا نیز همین حکم را داده است. البته باید در نظر داشت همان‌طور که مجازات‌های در نظر گرفته شده در احکام اسلامی بسیار سنگین است و این خود عاملی بازدارنده به نحو خاص و عام را ایجاد می‌کند، قواعد اسلام بر این اساس استوار است که شرایط متعددی را برای امکان اجرای بزه‌های حدی در نظر می‌گیرد، از جمله برای رجم می‌بایست حداقل ۴ مرد یا ۳ مرد و ۲ زن شاهد موجود باشند و موقع شهادت همگی با هم حاضر شوند و تمامی جزئیات را مانند یکدیگر شهادت دهند و بیان کنند که عمل دخول را مانند داخل شدن میل در سرمه‌دان دیده‌اند. (حلی، ج ۷، ۱۴۱۸: ۲۱۴) همچنین از لحظه وقوع زنا تا شهادت، بیش از شش ماه نگذرد. (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۴۲) شاهدین اگر ۲ مرد و ۴ زن باشند، سنگسار به صد تازیانه تبدیل می‌شود و اگر زانی پیش از شهادت شاهدین، توبه نماید، حد از او ساقط می‌گردد و حتی اگر بعد از شهادت شاهدین توبه نماید، قاضی مخیر در بخشش یا جاری کردن حد بر فرد است. از طرفی این مجازات، تنها برای کسی است که از حرمت عمل با خبر باشد و امر نیز بر او مشتبه نشده باشد، یعنی اگر زانیه بگوید که همسری ندارد و محصنه نیست و مرد او را بر فرض حلال بودن وی، صیغه کرده است، عمل زنا نیست. بنابراین همان‌طور که مجازات عمل زنا سنگین است، شرایط لازم برای امکان اجرای مجازات نیز سخت و ویژه است.

مجازات صد تازیانه (جلد)، در لمعه برای زن و مرد زناکاری در نظر گرفته می‌شود که فاقد شرایط احصان باشند. ماده ۲۳۰ ق.م.ا نیز همین حکم را بیان کرده است. مجازات تازیانه همراه با تبعید و تراشیدن موی سر، مربوط به مرد زناکاری است که «بکر» باشد. گروهی بکر را کسی می‌دانند که محصن نباشد.

۱. هرگاه ازاله بکارت غیرهمسر با مقاربت یا به هر وسیله دیگری و بدون رضایت صورت گرفته باشد، موجب ضمان مهرالمثل است.

تبصره ۱: هرگاه ازاله بکارت با مقاربت و با رضایت انجام گرفته باشد، چیزی ثابت نیست.

۲. حد زنا برای زانی محصن و زانیه محصنه رجم است. در صورت عدم امکان اجرای رجم، با پیشنهاد دادگاه صادرکننده حکم قطعی و موافقت رئیس قوه قضائیه، چنانچه جرم با بینه ثابت شده باشد، موجب اعدام زانی محصن و زانیه محصنه است و در غیر این صورت، موجب صد ضربه شلاق برای هر یک می‌باشد.

۳. حد زنا در مواردی که مرتکب غیر محصن باشد، صد ضربه شلاق است.



(طوسی، ج ۸، بی تا: ۳۰؛ حلی، ج ۴، بی تا: ۱۵۵؛ طبرسی، ج ۲، ۱۴۰۶: ۲۸۷) در مقابل، گروهی معتقدند بکر کسی است که با عقد دائم ازدواج کرده و دارای همسر دائمی باشد، اما هنوز با همسرش نزدیکی نکرده است. (طوسی، ۱۴۰۰: ۶۹۴؛ شهیدثانی، ج ۹، ۱۳۷۷: ۱۰۸) ماده ۲۲۹ ق.م.ا نیز قول دوم را پذیرفته است. در واقع مجازات را بر مردی که دارای همسر عقدی دائمی است، اما هنوز با وی نزدیکی نکرده است، جاری نمی‌دانند.

در مبحث خشونت جنسی علیه زنان، موارد دیگری نیز وجود دارد که مجازات‌های فقهی و حقوقی مختص به خود را دارد. مواردی از خشونت جنسی علیه زنان نیز وجود دارد که با خلاء قانونی در قانون مواجه هستند. به نظر می‌رسد قوانین جزایی در مبحث خشونت‌های جنسی باید کامل شوند و در مواردی نیز که خلاء قانونی وجود دارد، قانونی در بخش قوانین مربوط به حمایت خانواده لحاظ و مجازات جرایم در باب خشونت‌های جنسی سنگین‌تر شود تا امنیت جنسی بیشتری در جامعه حاکم گردد.

۳- عدم پرداخت نفقه از سوی زوج

در نظام اسلامی و حقوق ایران، تأمین هزینه و معاش خانواده به‌خصوص زن، از تکالیف مالی مرد است و حتی بیشتر علما بر این عقیده‌اند که پرداخت نفقه جزء قواعد آمرانه در فقه اسلامی بوده و در صورت تمکین خاص زن، مرد ملزم به پرداخت آن می‌باشد. (حلی، ۱۴۱۳: ۵۲؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۴۶۵) نفقه از نگاه لغت‌شناسی به معنای «آنچه صرف هزینه عیال و اولاد کنند، هزینه زندگی زن و فرزندان، روزی و مایحتاج معاش است.» (دمخدا، ۱۳۷۷: ۶۷۳) در برخی کتب فقهی مانند جواهرالکلام، در تعریف نفقه چنین آمده است: «مایحتاج زن از جمله غذا، البسه، مسکن، خادم و وسایل آشپزی که به‌طور متعارف با وضعیت زن در آن شهر متناسب است.» (نجفی، ج ۳۱، بی تا: ۳۳۰) البته برخی دیگر از فقها مصادیق بیشتری همانند «وسایل نظیف و آرامش از جمله شانه، کرم، صابون و هزینه حمام در صورت نیاز را نیز بر آن افزوده‌اند. (شهیدثانی، ج ۵، ۱۳۷۷: ۴۶۹) شاید یکی از کامل‌ترین تعاریف، مربوط به علامه حلی باشد که در تعریف نفقه چنین بیان کرده است: «آنچه زن بدان نیازمند است و در شأن چنین زنی در آن شهر است.» (حلی، ۱۴۱۳: ۴۷)

۳-۱- بررسی لزوم پرداخت نفقه در فقه

اکثر اختلافات در تعاریف نفقه از دیدگاه فقهی مربوط به مصادیق آن است و شارع مقدس آن را به عرف واگذار کرده که عنصر زمان و مکان در مصادیق آن، نقش اصلی را ایفا می‌کنند. در آیات قرآن (نسا: ۳۴ و ۳۵، بقره: ۳۶ و ۲۴۰، نور: ۷ و ۲۲ و طلاق: ۷ و ۳۸) به مسئله نفقه اشاره شده است. در آیه ۲۳۳ سوره بقره نیز مواردی از مصادیق نفقه مورد اشاره قرار گرفته است. طبق نظر برخی مفسرین، «منظور از رزق

۱. مردی که همسر دائم دارد، هرگاه قبل از دخول، مرتکب زنا شود، حد وی صد ضربه شلاق، تراشیدن موی سر و تبعید به مدت یک‌سال قمری است.



و کسوه، خرجی و لباس است و خدای عزوجل این خرجی را مقید به عرف یعنی حسب شرایط شوهر و همسر نموده است. همچنین مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک، پوشاک و نفقه مادری که (به بچه) شیر می دهد، به عهده اوست.» (طباطبایی، ج ۲، ۱۳۷۸: ۳۳۰)

در روایات نیز لزوم پرداخت نفقه بسیار مورد تأکید قرار گرفته تا آنجا که دستور داده می شود اگر نمی توانید نفقه همسر خود را به طرز شایسته ای پرداخت نمایید، او را رها کنید تا فرد دیگری عهده دار این خدمت گردد. امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه می فرماید: «اگر مرد نفقه زن را طوری که بتواند زندگی اش را (پوشاک و خوراک) تأمین نماید، پردازد، مشکلی نیست و در غیر این مورد (در صورت درخواست زن) باید از هم جدا شوند.» (حرعاملی، ج ۲، بی تا: ۲۲۳) امام رضا علیه السلام نیز در تفسیر آیه ۲۲۹ سوره بقره که می فرماید: «فامساک بالمعروف او تسریح باحسان»، یعنی زن را با نیکی نگه دارید یا با احسان رها کنید، می فرماید: «امساک یعنی آزار ندادن و پرداخت نفقه و تسریح یعنی طلاق که در کتاب خدا آمده است.» (حرعاملی، ج ۱۵، بی تا: ۲۳۶)

در واقع طبق آیات و روایات ذکر شده، اولاً و جوب پرداخت نفقه آن هم به صورت متعارف و در حد و شأن زن، بدون آزار و منت آمده است. ثانیاً اگر مردی در پرداخت نفقه همسرش کوتاهی کند، طبق احکام اسلام، زن اجازه خواهد داشت به حاکم یا امام شکایت کند و حاکم موظف است مرد را ملزم به پرداخت نفقه کند، اما اگر وی هم چنان استنکاف نمود، حاکم در صورت درخواست زن، می تواند طلاق وی را بگیرد. (محقق داماد، ۱۳۶۵: ۳۶۴) هر چند زن در صورت عدم رعایت تمکین خاص، واجب النفقه نمی باشد، اما اگر زنی به هر دلیلی نخواهد از همسرش جدا شود و از طرفی برای امرار معاش نیازمند خروج از منزل و تأمین معاش باشد (مانند انجام کاری به اندازه تأمین نفقه مورد نیاز خود و فرزندان)، طبق نظر غالب مراجع مانند امام خمینی (ره)، زن در مدتی که مشغول تهیه معاش است، اطاعت شوهر (منظور تمکین خاص) بر او واجب نیست (خمینی، ۱۳۹۱: م ۲۴۱۶) و حتی زن طبق حدیث نبوی و نظر غالب فقها می تواند در هر روز به اندازه خرجی آن روز بدون اجازه از اموال همسرش بردارد. (بخاری، ۱۴۲۴: ۱۲۴)

۳-۱-۱- امتیازات نفقه زوجه

- اولویت نفقه زوجه بر اقارب: منظور از اقارب، فرزندان و والدین هستند که پرداخت نفقه آنان در صورت عدم استطاعت مالی فرزندان و والدین و نیز استطاعت و تمکن مالی شوهر، بر مرد لازم است، اما نفقه زن بر این افراد مقدم است. (ماده ۱۲۰۳ ق.م)

۱. در صورت بودن زوجه و یک یا چند نفر واجب النفقه دیگر، زوجه بر سایرین مقدم خواهد بود.



- **یک‌جانبه بودن نفقه:** در حقوق ایران و اسلام، نفقه زوجه تکلیفی یک‌جانبه است و زن هیچ‌گاه مکلف به دادن نفقه به شوهر نمی‌باشد، اما نفقه اقارب از تکالیف متقابل است، یعنی همان‌طور که پدر غنی باید نفقه پسر فقیر را بپردازد، اگر پدر فقیر باشد، بر پسر غنی لازم است نفقه او را بدهد. (محمّدی، ۱۳۸۱)

- **عدم تأثیر تمکن در نفقه:** نفقه زن مشروط به فقر زن یا تمکن مرد نیست، یعنی زن حتی اگر ثروتمند هم باشد، می‌تواند از شوهر طلب نفقه نماید، اما اقارب باید فقیر باشند تا واجب‌النّفقه محسوب گردند. (مواد ۱۱۹۷ و ۱۱۹۸ ق.م)

- **قابل مطالبه بودن نفقه گذشته:** طبق ماده ۱۲۰۶ ق.م، نفقه زن همانند سایر دیون بر عهده شوهر است و زن حق طلب نفقه گذشته را نیز دارد، در حالی که نفقه اقارب تنها ناظر به حال است.

- **مقدم بودن طلب زن:** یعنی در صورت ورشکستگی یا فوت شوهر و عدم کفایت اموال وی برای پرداخت دیون، نفقه زن مقدم است و در صدر دیون ممتاز، جای می‌گیرد. (صفایی و امامی، ۱۳۹۴: ۱۸۳)

- **تناسب نفقه با وضع اجتماعی زن:** مطابق ماده ۱۱۰۷ ق.م، نفقه زوجه باید متناسب با وضع اجتماعی زن باشد، در حالی که مطابق ماده ۱۲۰۴ ق.م، نفقه اقارب فقط به اندازه رفع حاجت آنان و با توجه به توان انفاق‌کننده لحاظ می‌گردد.

۲-۳- بررسی لزوم پرداخت نفقه در حقوق

طبق ماده ۱۱۰۷ ق.م «نفقه عبارت است از مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل که به‌طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به‌واسطه مرض یا نقصان اعضا.» معنای نفقه در حقوق، بسیار نزدیک به معنای فقهی آن است، اما مجازات عدم پرداخت نفقه تا حدودی با آن متفاوت است. در ابتدا طبق ماده ۶۴۲ ق.م.ا، مرد در صورت عدم پرداخت نفقه افراد واجب‌النّفقه و در صورت استطاعت مالی، به سه ماه و یک روز تا ۵ ماه حبس محکوم می‌شد که امکان

۱. کسی مستحق نفقه است که فقیر باشد و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی، وسایل معیشت خود را فراهم سازد.

۲. کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد، یعنی بتواند نفقه بدهد بدون این‌که از این حیث در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود.

۳. زوجه در هر حال می‌تواند برای نفقه زمان گذشته خود اقامه دعوی نماید و طلب او از بابت نفقه مزبور طلب ممتاز بوده و در صورت افلاس یا ورشکستگی شوهر، زن مقدم بر غرما خواهد بود، ولی اقارب فقط نسبت به حال می‌توانند مطالبه نفقه نمایند.

۴. نفقه عبارت است از همه نیازهای متعارف و متناسب با وضعیت زن از قبیل مسکن، البسه، غذا، اثاث منزل و هزینه‌های درمانی و بهداشتی و خادم در صورت عادت یا احتیاج به‌واسطه نقصان یا مرض.

۵. نفقه اقارب عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث‌البیت به قدر رفع حاجت با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.

۶. هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب‌النّفقه امتناع نماید، دادگاه او را به سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می‌نماید.



حداقل ورود سه ایراد به این ماده قانونی فراهم بود: اول آن که بحث مجبور کردن شوهر به پرداخت نفقه توسط حاکم (در اینجا قاضی) که در اسلام مطرح بود، در این ماده لحاظ نشده بود. دوم آن که اگر مرد هم چنان در صورت اجبار و استطاعت، از پرداخت کوتاهی می کرد، قاضی طبق فقه، در صورت رضایت همسر می توانست زوجه را طلاق دهد و سوم آن که حبس مرد، عامل بازدارندگی برای وی از عدم پرداخت نفقه ایجاد نمی کرد و چه بسا حتی همسر و خانواده در این مدت به طور کلی از نظر مالی با مشکل مواجه می شدند و برای حل آن به آزادی مرد رضایت می دادند، مگر آن که هزینه این مدت خانواده از طرق دیگری، به عنوان مثال از بیت المال تأمین می گردید. در کل این ماده به موجب بند ۹ ماده ۵۸ قانون جدید حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ منسوخ شد و هم اکنون برای این مسئله به ماده ۵۳ قانون جدید حمایت خانواده^۱ استناد می شود. بدین مضمون که: «هر کس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه ۶ محکوم می شود.» در واقع می توان گفت در مقایسه با ماده ۶۴۲ ق.م.ا میزان حبس افزایش یافته است.

۴- سقط جنین

بر اساس آمار تخمینی وزارت بهداشت و درمان در سال ۱۴۰۰، سالانه در ایران ۳۰۰ هزار سقط جنین غیرقانونی انجام می شود.^۲ در یک بررسی در سال های اخیر در کشور، علت اصلی سقط های گزارش شده، حاملگی های ناخواسته بوده است، به طوری که عدم استفاده از روش های کنترل بارداری یا ضعف این روش ها، تمایل به حفظ فاصله سنی بچه ها، جنسیت فرزند، تعداد زیاد اولاد، تغییر نگرش زنان و مردان به داشتن خانواده کوچک تر، تأخیر در ازدواج به علت مشکلات اقتصادی و فرهنگی، تأثیر رسانه های جهانی بر تغییر نگرش های فرهنگی و مذهبی افراد و نیز افزایش میل جنسی به خصوص در مردان به علت برنامه های این رسانه ها و متعاقباً بالا رفتن حاملگی های نامشروع، همه عواملی برای افزایش آمار غیرقانونی سقط جنین در ایران است.

۱. هرکس با داشتن استطاعت مالی، نفقه زن خود را در صورت تمکین او ندهد یا از تأدیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه امتناع کند، به حبس تعزیری درجه شش محکوم می شود. تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت گذشت وی از شکایت در هر زمان، تعقیب جزایی یا اجرای مجازات متوقف می شود.

تبصره: امتناع از پرداخت نفقه زوجه ای که به موجب قانون مجاز به عدم تمکین است و نیز نفقه فرزندان ناشی از تلقیح مصنوعی یا کودکان تحت سرپرستی، مشمول مقررات این ماده است.

۲. ۱۴۰۰. ۸ خرداد. tasnimnews.com/fa/news/1400/03/08/2511544



۴-۱- بررسی سقط جنین در فقه

اکثر فقهای اسلام سقط عمدی جنین را در هر مرحله از حیات، حرام و غیرشرعی می‌دانند، اما بر اساس قاعده نفی عسر و حرج، حرمت سقط جنین در شرایطی منتفی است که ادامه حیات مادر منوط به سقط جنین باشد. در واقع بر اساس قاعده تقدم اهم بر مهم، سقط حرمت شرعی ندارد. (نیکزاد و جورسرای، ۱۳۹۰) به طور کلی فقها، جنین چهار ماهه را یک انسان کامل تلقی نموده و در صورت انجام سقط، شائبه قتل نفس را مطرح می‌کنند، چرا که طبق آیات و روایات، در چهار ماهگی، روح در کالبد جنین دمیده می‌شود و جنین حکم انسان را پیدا می‌کند. به گونه‌ای که حتی سقط عمدی بعد از چهار ماهگی جنین، دیه یک انسان کامل را شامل می‌شود. (مفید، ۱۳۶۸: ۷۶۳؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۷۷۸) در بررسی موضوع سقط جنین چه از باب فقهی و چه از منظر حقوقی، باید سقط را به قبل از چهار ماهگی و بعد از چهار ماهگی تقسیم نمود. نظر فقها بعد از چهار ماهگی، حکم به حرمت سقط جنین است، اما قبل از چهار ماهگی، از نظر فقه حنفی، سقط جنین قبل از دمیدن روح جایز است و دیه به آن تعلق نمی‌گیرد. از نظر فقه مالکی، سقط در هر مرحله‌ای باشد حرام است و از نظر فقه شافعی، سقط پس از استقرار جنین یعنی به محض بسته شدن نطفه حرام است. از نظر فقه حنبلی نیز سقط جنین پس از چهل روز جایز نمی‌باشد. (خزاعی، ۱۳۹۱) از نظر فقه شیعه، سقط قبل از چهار ماهگی در هر زمانی حرام است، مگر در صورت وجود ضرر جانی برای مادر و همچنین طبق مبانی حقوقی در صورت اثبات پزشکی وجود بیماری خاص در جنین که اجازه سقط داده می‌شود. (سیستانی، ۱۴۱۲: ۱۱۵)

۴-۲- بررسی کیفی سقط جنین در حقوق

قوانین مربوط به سقط جنین در قانون مجازات اسلامی را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: دسته اول مربوط به نحوه محاسبه دیه جنین است که ماده ۷۱۶ ق.م.ا.آ را به صورت مفصل توضیح داده است. این ماده بر اساس روایات صحیح سند است که امام صادق^(ع) فرمودند: «امام علی^(ع) دیه جنین را ۱۰۰ دینار قرار داده، برای نطفه ۲۰ دینار، برای علقه ۴۰ دینار، برای مضغه ۶۰ دینار، برای عظام ۸۰ دینار و وقتی جنین از گوشت پوشیده شود، به آن ۱۰۰ دینار تعلق می‌گیرد.» (حرعاملی، ج ۱۹، بی تا: ۲۱۱)

۱. دیه سقط جنین به ترتیب زیر است: الف) نطفه‌ای که در رحم مستقر شده است، دوصدم دیه کامل. ب) علقه که در آن جنین به صورت خون بسته در می‌آید، چهارصدم دیه کامل. پ) مضغه که در آن جنین به صورت توده گوشتی در می‌آید، شش صدم دیه کامل. ت) عظام که در آن جنین به صورت استخوان درآمده، لیکن هنوز گوشت بر آن روییده نشده است، هشت صدم دیه کامل. ث) جنینی که گوشت و استخوان بندی آن تمام شده، ولی روح در آن دمیده نشده است، یک‌دهم دیه کامل. ج) دیه جنینی که روح در آن دمیده شده است، اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبّه باشد، سه‌چهارم دیه کامل.



دسته دوم به نحوه محاسبه کیفر عاملین سقط جنین به غیر از موردی که مادر خود سبب سقط شود می‌پردازد که مواد ۶۲۲، ۶۲۳ و ۶۲۴ ق.م.ا در این دسته قرار می‌گیرند و دسته سوم مربوط به دیه اعضای جنین و موردی است که خود مادر موجب سقط شود و مسائلی از این قبیل که در مواد ۷۱۷ تا ۷۲۱ ق.م.ا به آن اشاره شده است. طبق ماده ۶۲۲ ق.م.ا اگر سقط جنین ضربه‌ای باشد، یعنی فردی غیر از مادر از طریق ضرب و جرح موجب سقط شود، ضارب علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال نیز محکوم می‌شود.

نحوه محاسبه دیه، طبق ماده ۷۱۶ ق.م.ا می‌باشد و در این حکم بین پدری که مرتکب این عمل شود یا هر فرد اجنبی دیگری فرقی وجود ندارد. این حکم مشابه سایر احکام فقهی است، اما در مورد مسئله قصاص جانی، اختلاف نظر فقهی وجود دارد. گروهی مانند محقق حلی معتقدند که اگر سقط بعد از چهار ماهگی باشد و عمداً رخ دهد، چون قتل نفس صورت پذیرفته، فرد باید قصاص نفس شود. (محقق حلی، ج ۴، ۱۴۱۸: ۲۸۳) علامه حلی نیز قائل به همین حکم است که هرگاه شخص، زن حامله‌ای را بزند و زن جنین را در حالی که زنده بوده سقط کند و به همین علت جنین بمیرد، اگر عمل وی عمدی باشد، مرتکب قصاص نفس شده و در صورتی که عمدی نباشد، از او دیه گرفته می‌شود. (حلی، ج ۴، بی تا: ۷۲۷) صاحب جواهر هم حکم به قصاص نفس این فرد داده است. (نجفی، ج ۴۲، بی تا: ۳۸۱) اما گروهی دیگر مانند آیت الله خویی پرداخت دیه را کافی می‌دانند. در این رابطه آیت الله خویی می‌گوید: «در صورتی که زن حامله‌ای را بزند و در نتیجه آن حملش سقط شود و بمیرد، ضارب قاتل است. مشهور فقها بر این عقیده‌اند که اگر عمل مرتکب، عمدی بوده و قصد قتل جنین را داشته، قصاص او واجب است، ولی این نظر اشکال دارد.» ایشان، عدم قصاص را ذکر کرده است که تنها دیه بر او واجب می‌شود. (خویی، ج ۲: ۱۳۸۷، ۴۱۸) اگر مباشر در سقط جنین، فردی عادی باشد، مشمول ماده ۶۲۳ ق.م.ا شده و به پرداخت دیه جنین و حبس از ۶ ماه تا ۱ سال محکوم می‌شود. اگر پزشک، ماما یا فروشنده دارو مبادرت به سقط کند، مشمول ماده ۶۲۴ ق.م.ا می‌گردد و به پرداخت دیه و نیز حبس از ۲ تا ۵ سال محکوم می‌شود. علت آن که حکم برای پزشک سنگین‌تر می‌باشد آن است که این افراد به نتیجه عمل

۱. هر کس عالماً و عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص، حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد.

۲. همان.

۳. اگر طبیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند، وسایل سقط جنین را فراهم سازند یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوطه صورت خواهد پذیرفت.



علم دارند و تخصص‌های لازم را فرا گرفته‌اند و به حفظ جان افراد قسم خورده‌اند و قدر مسلم با افراد عادی فرق می‌کنند. اگر زنی خود مبادرت به سقط کند و عمل سقط در هر مرحله‌ای، به عمد، شبه‌عمد یا خطا باشد، دیه جنین حسب مورد، توسط زن یا عاقله او پرداخت می‌شود. در دو حالت اول، خود مادر و در حالت خطا، عاقله وی باید دیه را به پدر پرداخت کنند. همچنین از نظر فقهی اگر زنی در حالی که همسرش مطلع نباشد، دست به این عمل بزند، حسب مورد ملزم به پرداخت دیه به پدر فرزند خواهد شد و خودش نیز از آن دیه ارث نمی‌برد و حتی اگر پدر فرزند نیز در قید حیات نباشد، دیه به سایر طبقات وراث خواهد رسید. (محقق حلی، ج ۴، ۱۴۱۸، ۱۰۴۷؛ کلینی، ج ۶، ۱۳۹۳؛ ۶۷۹) برای مثال در روایات آمده است که از امام صادق علیه‌السلام در خصوص زنی که دارویی نوشیده، در حالی که باردار بوده و همسرش نیز خبر نداشته و بچه نیز سقط شده است، پرسیدند. ایشان فرمودند که امام (ع) در این رابطه فرموده‌اند: «بر ذمه زن دیه‌ای است که باید آن را به پدر جنین بپردازد.» (حرعاملی، ج ۱۷، بی‌تا: ۳۹۰)

روایات موجود همگی به سقط عمدی اشاره دارند، اما در حالت سقط جنین در صورت خطای محض، بین فقها دو قول است: در قول اول، مشهور که با اجماع نیز به این حکم رسیده‌اند، قائلند که دیه به عهده عاقله است. (خمینی، ۱۳۹۱: ۶۰۲) بنا بر قول دوم نیز گروهی مانند آیت‌الله خویی، ثبوت دیه بر عاقله را قبل از میدن روح دارای اشکال می‌دانند و ظاهراً بر عدم ثبوت دیه بر عاقله معتقدند. (خویی، ۱۳۸۷: ۱۳۲-۱۳۴)

در تبصره ماده ۷۱۸ ق.م.ا آمده است: «هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد، به منظور حفظ جان مادر سقط شود، دیه ثابت نمی‌شود.» البته فقها سقط در صورت ثبوت خطر برای مادر تا قبل از چهار ماهگی را اجازه داده‌اند و بعد از چهار ماهگی و در صورت وجود ثبوت خطر در صورت ادامه بارداری هم برای مادر و هم فرزند، قائل به جواز سقط شده‌اند. همچنین اگر امکان نجات مادر تنها در صورت سقط باشد، جواز سقط را داده‌اند. (اسماعیلی، ۱۳۹۴) غالب فقها حکم به جواز سقط جنین قبل از چهار ماهگی در صورت حاملگی به علت تجاوز به عنف به علت وجود عسر و حرج برای زن را داده‌اند، اما با این وجود در قوانین حقوقی چنین مجوز قانونی وجود ندارد. (پروانیان و همکاران، ۱۳۹۶)



نتیجه گیری

با بررسی صورت گرفته در منابع فقهی و قوانین موضوعه، عدم تناسب جرم با کیفر، مسئله‌ای است که در برخی قوانین جزایی کشور وجود دارد. به عنوان مثال، بر اساس منابع فقهی، برای بزه قاچاق زنان، مجازات قطع دست برای مجرم در نظر گرفته شده، اما در قوانین جزایی، مجازات مذکور تعدیل شده است. با توجه به افزایش جرم مذکور، می‌توان مدعی شد که مجازات حبس حداکثر ده سال و پرداخت جزای نقدی، نمی‌تواند بازدارندگی لازم را ایجاد نماید. علاوه بر جرم مذکور، در این مقاله به مقایسه مجازات سه جرم دیگر علیه زنان یعنی تجاوز به عنف، عدم پرداخت نفقه و سقط جنین در دو منبع فقه اسلامی و حقوق موضوعه پرداخته شده است. به نظر می‌رسد با توجه به عدم تطبیق قوانین با منابع فقهی از یک سو و گسترش جرایم مذکور در جامعه، مجازات موجود بازدارندگی لازم را ندارد و بنابراین نیاز به بازنگری در متن و نظارت بر اجرای قوانین در کنار بررسی شرایط جامعه به طور جدی احساس می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



منابع

۱. ابن ادریس، محمد (۱۳۹۰)، «السرائر الحاوی للتحرییر الفتاوی»، ج ۳، قم: جامعه‌المدرسین.
۲. ابن براج، عبدالعزیز، «المهذب»، بی تا، قم: نشر اسلامی.
۳. ابن زهره حلبی، سیدحمزه بن علی (۱۴۱۷ق)، «غنیة النزوع»، ج ۱، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۴. اسحاقی، محمد (۱۳۸۸)، «آزار جنسی در یک بررسی حقوقی»، فصل‌نامه کتاب زنان، ش ۲۰.
۵. اسماعیلی، حسین (۱۳۹۴)، «بررسی سقط جنین در صورت به خطر افتادن جان مادر و جنین»، فصل‌نامه فقه پزشکی، سال هفتم، ش ۲۲ و ۲۳.
۶. بخاری، محمدبن اسماعیل (۱۴۲۴)، «صحیح بخاری»، بیروت: دارالفکر.
۷. پروانیان، امیر؛ پورسعیدی، فروغ؛ درودچی، علی‌رضا؛ سیف‌زاده، مهران (۱۳۹۶)، «بررسی سقط درمانی از دیدگاه فقه در موارد حاملگی حاصل از زنا و تجاوز به عنف»، ششمین همایش سراسری طب و قضا.
۸. حر عاملی، «وسائل الشیعه»، ج ۱۵ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۸، بی تا، قم: نشر آل‌البیت.
۹. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳)، «تحریر الکلام»، ج ۴، قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف، «شرایع الاسلام»، ج ۴، بی تا، قم: اسماعیلیان.
۱۱. حلّی، یحیی بن سعید، «الجامع للشرایع»، بی تا، قم: مؤسسه سیدالشهدا (ع).
۱۲. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸)، «المختصر المنافع فی فقه الاسلامیه»، ج ۶، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیّه.
۱۳. خزاعی سهیلا (۱۳۸۱)، «اسلام و سقط جنین»، ضمیمه فصل‌نامه باروری و ناباروری، چکیده مقالات سمینار بررسی جامع ابعاد سقط جنین در ایران، پژوهشکده ابن‌سینا.
۱۴. خوانساری، احمد (۱۳۵۵)، «جامع المدارک»، ج ۷، تهران: مکتبه الصدوق.
۱۵. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۱)، «توضیح المسائل»، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۶. خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۲)، «تحریر الوسیله»، ج ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۷. خویی، ابوالقاسم (۱۳۹۴)، «مبانی تکلمه المنهاج»، ج ۱ و ۲، تهران: خوانساری.
۱۸. خویی، ابوالقاسم (۱۳۸۷)، «منهاج الصالحین»، ج ۲، قم: مؤسسه احیاء آثار آیت‌الله خویی.
۱۹. دهنخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، «لغت‌نامه»، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۲۰. رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۳)، «بررسی پدیده قاچاق زنان»، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
۲۱. شهید اول (۱۳۹۱)، «اللمعه، جلد دیات و قصاص»، بیروت: دارالفکر.
۲۲. شهید ثانی (۱۳۷۷)، «شرح لمعه»، ج ۹، بیروت: دارالعلم.
۲۳. شهید ثانی (۱۳۸۴)، «الروضه»، ج ۵، تهران: مجد.



۲۴. صدوق، «من لایحضر الفقیه»، ج ۴، ص ۶۹، بی تا.
۲۵. صفایی، حسین؛ امامی، اسدالله (۱۳۹۴)، «مختصر حقوق خانواده»، تهران: نشر میزان.
۲۶. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۸)، «المیزان»، ج ۲، قم: انتشارات اسلامی.
۲۷. طبرسی (۱۴۰۶ق)، «المؤتلف من المختلف»، ج ۲، بیروت: دارالمغرب الاسلامی.
۲۸. طوسی، ابوجعفر، «التهذیب»، ج ۱۰، ج ۴، بی تا، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. طوسی، ابوجعفر (۱۴۰۷ق)، «الخلاف»، ج ۵، قم: نشر اسلامی.
۳۰. طوسی، ابوجعفر (۱۳۸۷ق)، «المبسوط فی فقه الامامیه»، ج ۸، تهران: مکتب مرتضوی.
۳۱. طوسی، ابوجعفر (۱۴۰۰ق)، «النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی»، بیروت: دارالکتب العربی.
۳۲. عالی پور، حسن (۱۳۸۸)، «قاجاق زنان بزهی بر ضد کرامت زنان»، مجله مطالعات راهبردی زنان، ش ۴۵.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳)، «کافی»، ج ۵ و ۷، قم: دارالکتب.
۳۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶)، «بحار الانوار»، ج ۷۹، قم: اسلامیه.
۳۵. محقق حلی (۱۴۱۸)، «شرایع الاسلام»، ج ۷، قم: اسماعیلیان.
۳۶. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۶۵)، «نکاح و انحلال آن»، ج ۱، تهران: نشر علوم اسلامی.
۳۷. محمدی، مرتضی (۱۳۸۸)، «ازدواج، نفقه، تمکین»، مجله کتاب زنان، ش ۲۵.
۳۸. مفید، محمد بن محمد (۱۳۶۸)، «المقننه»، قم: نشر اسلامی.
۳۹. نجفی، محمد حسن، «جواهر الکلام»، ج ۳۱، ۴۱ و ۴۲، بی تا، قم: جامعه مدرسین قم.
۴۰. نراقی، محمد مهدی (۱۳۶۹)، «مستدرک الوسائل»، ج ۴۱، قم: آل البیت (ع).
۴۱. نعمتی، احمد (۱۳۸۱)، «سقط جنین از دیدگاه شریعت و فقه مقارن»، ضمیمه فصل نامه باروری و ناباروری، پژوهشکده ابن سینا.
۴۲. نیکزاد، عباس؛ جورسرای، غلامعلی (۱۳۹۰)، «بررسی سقط جنین از دیدگاه فقهی»، مجله کتاب زنان، ش ۲۵.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی